

اول می؛ روز کارگران بیکار در افغانستان!

مهدي مدير



قانون کار افغانستان امنیت شغلی کارگران تضمین نشده است. اما کارفرمایان این موضوع را رعایت نمی کنند و اغلب اوقات کارگران را بدون قرارداد مدون استخدام می کنند. نبود قرارداد مدون میان کارگر و کارفرما باعث شده است که کارگران افغانستان امنیت شغلی نداشته باشند و کارفرمایان هر زمان بخواهند کارگر قبلی را اخراج و بجایش کارگر جدید استخدام می کنند.

در حالی که در قانون کار افغانستان آمده است که قرارداد میان کارگر و کارفرما در صورتی به حالت تعلیق در می آید که کارگر با خدمت سربازی بروی، به وظایف انتخاباتی مشغول شود، کار به صورت موقت متوقف شود، متمم به جرم شده و بازداشت شود، حوادث غیر مترقبه به وقوع بپیوندد و یا به آموزش بروی.

در قانون کار افغانستان تاکید شده که در صورت بروز اختلاف میان اداره و کارگر، این اختلاف از طریق کمیسیون حل اختلافات اداره و در مرحله دوم از طریق کمیسیون عالی حل اختلافات وزارت کار، رفع می شود و در غیر آن از سوی دادگاه ذیصلاح حل و فصل می گردد. اما متأسفانه مواد این قانون از سوی کارفرمایان رعایت نمی شود و کارگران نیز اکثراً بدون اعتراض و خاموشانه، تصمیم کارفرمایان را می پذیرند. یکی از دلایلی اصلی بایمال شدن حقوق کارگران، سطح پایین آگاهی آنها از حقوق شان است. عدم آگاهی آنها از حقوق شان، باعث می شود که کارفرمایان از ناآگاهی آنها سوء استفاده کرده و با برخورد دیکتاتورانه، حقوق آنها را رعایت نکنند. اکثر نیروی کار در افغانستان بیسواد و یا کم سواد هستند و آگاهی دهی در این زمینه نیز از سوی نهادهای مسئول وجود نداشته است. بیسودت و ترقی یک کشور محصول رنج های طبقه ی کارگر آن کشور است. مشقت ها و زحمت های این طبقه، مسیر پیشرفت و ترقی یک کشور را هموار می سازد. یکی از وظایف اصلی حکومت ایجاد زمینه سالم کار برای کارگران کشور است و حمایت و پشتیبانی از حقوق و مزایای آنها. انتظار می رود حکومت وحدت ملی نیز در راستای ایجاد زمینه کار و تثبیت حقوق کارگران و تطبیق درست قانون کار کشور، تلاش ورزد.

گردد. تخریب این مراکز عده ی زیادی از شهروندان کشور را که در این مراکز مشغول کار بودند بیکار کرد و زندگی آنها را با مشکل مواجه ساخت.

بعد از سقوط طالبان و حاکم شدن شرایط سیاسی جدید در کشور، این امیدواری به وجود آمد که زمینه های بیشتر کارایی ایجاد گردد و از مشکلات کارگران کاسته شود و با فعال شدن بخش خصوصی زمینه رقابت سالم به وجود بیاید و در نتیجه مراکز کاری بیشتری ایجاد شود و کارگران بیشتری استخدام گردد؛ اما فساد نه تنها بیکاری کاهش نیابد، بلکه آهسته به یک بحران تبدیل شد و فعالیت بخش خصوصی نیز متاثر گردد.

با خروج نیروهای بین المللی از افغانستان در سال ۲۰۱۴ بسیاری از نهادهای بین المللی و تاجران و سرمایه گزاران نیز از افغانستان خارج شدند. خروج آنها نیز عده ی زیادی را که در این نهادها کار می کردند و مشغول بودند، بیکار کرد و دوباره زمینه کار برای شان بوجود نیامد. یکی دیگر از مشکلات جدی کارگران افغانستان، نبود امنیت شغلی است. در

به امنیت جانی و صحتی آنها توجه نکند. کارگران در افغانستان در صورت دچار شدن به یک حادثه ناگوار هیچگونه کمکی از سوی کارفرمایان دریافت نمی کنند و به احتمال زیاد کارشان را نیز از دست می دهند و به جمعیت بیکاران می پیوندند. در حالی که براساس قانون کار افغانستان، کارفرما موظف است، در صورت بروز حادثه، کارگر را به شفاخانه منتقل کند و هزینه مداوی وی را فراهم کند و در صورتی که امکان مداوی او در داخل افغانستان فراهم نباشد باید به خارج از این کشور فرستاده شود و تمام هزینه سفر و مداوی کارگر به عهده کارفرما است.

حکومت افغانستان تا هنوز نتوانسته است زمینه کار ثابت و مناسب را برای نیروی کار کشور فراهم کند و کارگران و شهروندان کشور همواره از این معضل شکایت کرده اند.

سالها جنگ و نا امنی باعث شده است که زیر بناهای افغانستان تخریب گردد و فرصت کار از شهروندان کشور گرفته شود. در این سالها علاوه بر اینکه فابریکه ها و مراکز صنعتی بیشتر ایجاد نگردید، بلکه بسیاری از مراکز صنعتی نیز تخریب

گوناگون سیاسی و اجتماعی بیشترین ضرر و زیان به آنها وارد شده است.

شرایط کار در افغانستان نیز همواره بی ثبات بوده است و جنگ های داخلی و نابسامانی وضعیت سیاسی کشور، اثرات مستقیم بر وضعیت زندگی کارگران داشته است و ثبات و امنیت کاری آنها را با خطر مواجه کرده است.

اکنون نیز یکی از چالش های جدی حکومت وحدت ملی، رسیدگی به بحران بیکاری در کشور است. بحرانی که هر روز شدت بیشتری می گیرد و شهروندان کشور را رنج می دهد. جمعیت افغانستان حدود سی میلیون نفر تخمین شده است و ۴۰ فیصد از افراد واجد شرایط کار، بیکار هستند و با از عدم ثبات کاری و کار روزمره رنج می برند.

بازار افغانستان از بیکاران اشباع شده است. درمیدان های مرکزی شهرهای بزرگ کشور می توان صف های طولانی از کارگران جویای کار را دید. تعدادی از این افراد از صبح تا شب نمی توانند کار پیدا کنند و شب به دست خالی به خانه برمی گردند. این مساله باعث شده که اغلب کارگران بدون اینکه طالب بیمه و امتیازات دیگر باشند در محیط های خطرناک و ناسالم کار کنند و کسی

دیروز روز جهانی همبستگی کارگران بود. عده ی از شهروندان کابل نیز با راه اندازی راهپیمایی خیابانی از این روز تجلیل کردند. این شهروندان با شعارهای « ما کار می خواهیم»، « ما مصونیت کاری می خواهیم» و « کار حق هر شهروند است» از حکومت خواستار ایجاد زمینه کار برای کارگران کشور شدند.

تاریخچه روز جهانی کار به سال ۱۸۸۶ میلادی بر می گردد. در اول ماه می سال ۱۸۸۶ قرار بود ساعات روزانه کار در ایالات متحده آمریکا از ده ساعت به ۸ ساعت کاهش یابد، اما این کار صورت نمی گیرد و کارگران در شهر شیکاگو اعتصاب کاری می کنند و در یک هزار و دوصد کارخانه و کارگاه اعتصاب صورت می گیرد. اعتصاب کنندگان خواستار تعدیل شرایط کار و کاهش ساعات روزانه کار از ده ساعت به ۸ ساعت می شوند. در چهارمین روز اعتصاب آنها، هنگامی که پولیس می خواست آنها را متفرق کند ناگهان انفجاری از سوی یک مرد انقلابی صورت می گیرد و پولیس نیز بسوی آنها فیر می کند و چند تن کشته می شود و عده ی نیز زخمی. بعدا چهار تن از اعتصاب کنندگان نیز اعدام می شوند. اخبار اعدام اعتصاب کنندگان به سایر نقاط جهان می رسد و هر ساله در کشورهای دیگر و مخصوصاً در آلمان که بیشتر کشته شدگان شهروند این کشور بودند، از این حادثه یاد بومی می شود. این یاد بویها تکرار می شود و آهسته آهسته روز اول ماه می بعنوان روز جهانی کارگر تثبیت می شود. اکنون در بسیاری از کشورهای جهان بجز ایالات متحده آمریکا و کانادا این روز تعطیل عمومی است و از سوی اتحادیه های کارگری با راهپیمایی های خیابانی گرامی داشته می شود. در آمریکا روز دوشنبه اول ماه سپتامبر را بعنوان روز کارگر تجلیل می کند.

از روز جهانی کارگر در افغانستان اما هنوز تجلیل مناسب صورت نگرفته است و تعطیل عمومی نیز نیست. تنها عده ی معدودی از شهروندان کشور از چند سال به این سو، در این روز راهپیمایی می کنند و خواستار حقوق کارگران و ایجاد زمینه کاری می شوند. نیروی کار افغانستان همیشه، اقشار آسیب پذیر جامعه بوده است و در تحولات

سرمقاله

فشار سنگین افزایش قیمت ها بر زندگی مردم

محمد رضا هویدا

ادارات و وزارت خانه های افغانستان که در زمینه انرژی کار می کنند، شاید از ناکارآمدترین ادارات در کشور باشند. در اس این ادارت سالها، افراد غیر مسلکی قرار داشته است. هنوز هم در همین کابل، مناطقی است که از نعمت برق محروم است. در گذشته نیز زمانی از جنراتورهایی که با قیمت های گزاف از کشورهای همسایه خریداری و به کشور منتقل شد ولی در نهایت با ضررهای هنگفت، هیچ استفاده مناسبی از آنها نشد. این شرکت نتوانسته به نیازهای افغانستان جواب دهد. از انتقال انرژی به کشور گرفته تا ساخت سدها و تامین انرژی مورد نیاز مردم افغانستان از منابع داخلی، هیچ کارنامه ای درخشانی در این زمینه وجود ندارد.

آن گونه که گفته می شود اگر میلیونها افغانی از حساب عایدات برق از این شرکت بر مقامات عالی رتبه دولتی و شخصیت های سیاسی باقی مانده باشد، و این شرکت نتوانسته حساب های خود را بگیرد، نیز نشانی از ضعف و عدم هماهنگی ادارات و شخصیت های دولتی و عدم حمایت دولت از این سکتور می کند.

به هر صورت، گفته می شود که قیمت برق برای مردم افغانستان افزایش یافته است. این موضوع برای مردمی که بیش از نیمی از آنها از بیکاری رنج می برند، یک خیر شوک آور و نگران کننده بوده است. دقیقاً در روز اول ماه می که روز کارگر است این خبر از رسانه های گروهی پخش شده است. اما در همین روز گفته می شود که نیمی از کارگران افغانستان بی کار هستند.

موضوع دیگر این است که قیمت برق یکی از مهمترین دلایل شکست سرمایه گذاری ها در عرصه تولید در افغانستان است. بسیاری از کارهای تولیدی و سرمایه گذاری ها تنها به دلیل بی برقی و یا گران بودن و یا نامنظم بودن جریان برق به ناکامی مواجه شده اند و مجبور شده اند دست از کار بکشند.

بار سنگین فشارهای اقتصادی در روزگاری که بیکاری، فقر و ناامنی بیداد می کند، بر دوش مردم فقیر افغانستان سنگینی می کند. تجمل گرایی در ادارات افغانستان یک امر معمول است. ده ها مشاور بی کار که هیچ کاری نمی کنند و هیچ مشوره ای نمی دهند و اکثراً چون نمی دانند شکست می کنند، بر دولت بار سنگینی هستند. هزینه های تجملی دفاتر وزار و روسا و ... واقعا باری است بر دوش اقتصاد متکی به کمک های خارجی افغانستان. از فرنیچر و لوازم خانه و دفتری گرفته تا کرایه های سرسام آور منازل و سفرهای خارجی و داخلی و موترهای تقییبی و شمار گاردها و خدمت و حشم مقامات عالی رتبه دولتی گرفته تا بی میلالاتی هایی که در مراسم های مختلفی که بهانه های مختلفی گرفته می شود، خزانه دولت را خالی می کند. نمونه ای از این نوع ولخرجی ها را در مراسم هایی که در سطوح مختلف به بهانه مناسبت های مختلف گرفته می شود، قابل رویت است. مثلاً در همین یک هفته گذشته چندین مراسم که به بهانه هشت ثور برگزار شد، به وضوح اسراف و تبذیر را در انواع مخارج می توان استناد کرد.

اما چرا دولت افغانستان نمی خواهد باور کند که فشار زندگی در نبود کار و درآمد و امنیت، بر بخش اعظم مردم افغانستان سنگینی می کند. محاسبه هایی که دولت می کند در مقابل مردم شاید معقول دیده شود ولی حقیقت این است که مردم بیشتر از این ها نیاز به مراقبت و توجه دارند و باید به خدمات بیشتری دسترسی داشته باشند. حکومت باید از مصارف بی مورد پرهیز کند و نگذارد بار سنگین بی میلالاتی های آنان را مردم بکشند. شاید بسیاری از مردم افغانستان ندانند که مصرف یک روزه یک محفل تجلیل از یک مناسبت در سراسر کشور مبلغ هنگفتی می شود که با آن می شود کمک زیادی به اقتصاد مردم کرد.

عوامل موفقیت استراتژی جدید حکومت در مواجهه با دشمن

رحیم حمیدی



بدون سرنشین یکی از موارد است. حکومت قرارداد تحویل گیری طیارات بی سرنشین با ایالات متحده آمریکا امضا نموده است و قرار است که بیست و یک تا طیاره سرنشین از ایالات متحده آمریکا دریافت نماید. این مسئله کمک می کند که تحرکات دشمن شناسایی شود. با این حال، کار با تجهیزات جدید زمانبر است. نیروهای امنیتی قبل از استفاده از آن ضرورت جدی به آموزش دارد. اینکه آموزش نیروها در این بخش تا چه اندازه پیش رفته است، مشخص نیست. به هر صورت، ضرورت جدی به اطلاعات در شناسایی تحرکات دشمن وجود دارد.

موفقیت استراتژی جنگی کشور بی ارتباط با سیاست خارجی افغانستان نیست. همان طور که رئیس جمهور غنی بارها اعلان نموده است که جنگ افغانستان جنگ داخلی نیست بلکه جنگ منطقه ای و بین المللی است و افغانستان به نمایندگی از کشورهای منطقه در برابر تروریسم می جنگد و برخی کشورهای همسایه به شورشیان و مخالفان کمک می کند. بنابراین، تغییر استراتژی نسبت به گروه های مخالف مسلح نتیجه تغییر سیاست خارجی بر برخی کشورهای امنیتی افغانستان را نیز در پی خواهد داشت.

بنابراین، لازم است که برای موفقیت در استراتژی جدید حکومت سیاست خارجی کشور نیز به صورت عقلانی اتخاذ شود. اگر سیاست خارجی منجر به انگیزه دهی به کشورهای همسایه به منظور حمایت بیشتر از گروه های دهشت افکن در تروریست شود، در آن صورت موفقیت استراتژی جدید حکومت سخت و دشوار می شود.

در پایان این نوشتار باید متذکر شوم که رئیس جمهور با فشارهای از درون و بیرون از حکومت استراتژی جدید در مواجهه با گروه های مخالف مسلح دولت را روی دست گرفته است. با این حال، تردیدهای وجود دارد که حکومت برخورد قاطع با گروه طالبان نماید. در صورت ادامه سیاست تساهل گرایانه هم سطح نارضایتی در میان مردم از حکومت و شخص اشرف غنی افزایش می یابد و هم نیروهای امنیتی در میدان جنگ با دشواری های مواجه خواهد شد. در هر صورت، اشرف غنی در نهایت مجبور خواهد شد که برخورد سخت و قاطع با گروه طالبان در پیش گیرد تا منجر به کاهش نارضایتی میان مردم شود. برای موفقیت استراتژی لازم است که به نکات فوق توجه جدی و اساسی نماید.

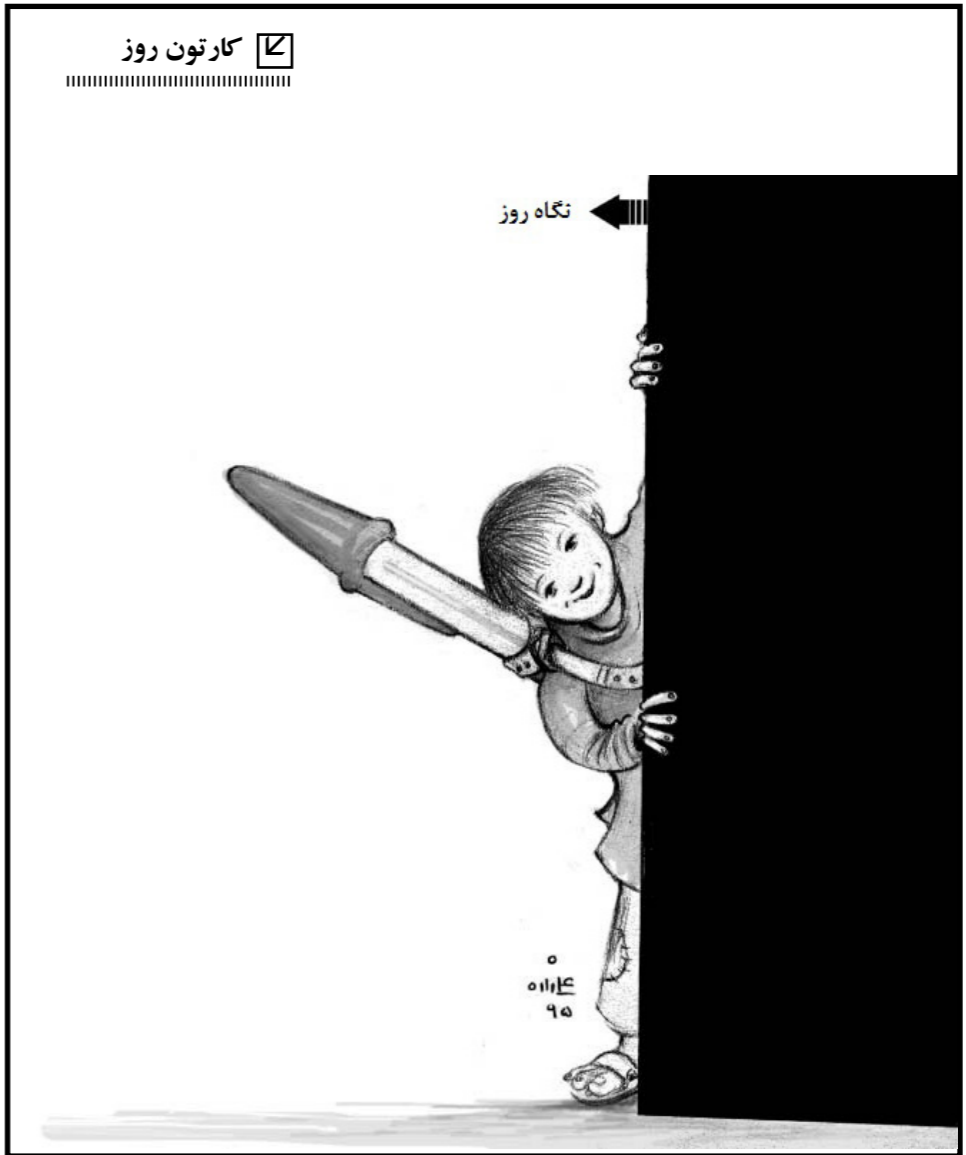
را در پیش گرفته است. اکنون سعی نمی شود که تنها قلمرو حکومت حفظ شود بلکه تلاش می شود که مناطق از خود گروه های مخالف مسلح دولت پاک شود.

مهمترین مسئله در موفقیت استراتژی جدید حکومت در قبال گروه های تروریستی و دهشت افکن افزایش توانایی نیروهای امنیتی و به خصوص نیروی هوایی کشور است. سال ۲۰۱۵ نشان داد که نیروهای امنیتی کشور بدون حمایت نظامی قادر به حفظ قلمروها نیستند. نیازمند شدید به حمایت هوایی است. ولسوالی های ولایت هلمند با حمایت هوایی نیروهای بین المللی حفظ گردید و از محاصره گروه طالبان آزاد شد. قندوز با حمله و حمایت نیروهای هوایی بین المللی به کنترل نیروهای دولتی در آمد. نیروی هوایی کشور توانایی رزمی پایین دارد. یکی از دلایل فقدان تجهیزات پیشرفته است. هلیکوپترهای نیروهای هوایی کشور عمر شان به سر رسیده است. هلیکوپترهای جدید که حکومت از هند و ایالات متحده آمریکا دریافت نموده است نمی تواند نیازمندی جنگ افغانستان را در سراسر کشور برطرف نماید. بنابراین، مهمترین اقدام حکومت افزایش تجهیزات نیروی هوایی کشور است تا نیروی هوایی کشور بتواند در سراسر کشور نیروهای زمینی را حمایت و پشتیبانی نماید. راهکار بعدی مبارزه با فساد در سطح عمومی و در نهادهای امنیتی کشور است. جامعه جهانی سالانه بیش از چهار میلیارد

گفتگوی صلح به بن بست رسیده است. پاکستان صادقانه همکاری نمی کند. با وجود اینکه گروه طالبان به دعوت دو کشور جواب منفی داده است اما پاکستان همچنان اعلان نموده است که برای کشاندن گروه طالبان به میز مذاکره تلاش می کند. در طرف دیگر اما، رئیس جمهور تحت فشار تشدید گروه های داخلی قرار دارد. حلقانی از درون و بیرون حکومت بر رئیس جمهور فشار می آورد که استراتژی حکومت در قبال گروه طالبان را تغییر دهد. اکنون فشار ها تنها به مخالفین رئیس جمهور محدود نمی شود. حلقانی از

حامیان دوران انتخاباتی او نیز از حلقه او بیرون رفته است و اکنون به منتقدین جدی او تبدیل شده است. این فشارها منجر شد که رئیس جمهور دستور حمله بر مخالفین مسلح دولت را به نیروهای امنیتی بدهد. با این حال، همچنان در برخورد قاطع حکومت در قبال گروه طالبان تردیدهای وجود دارد. زیرا، رئیس جمهور در آخرین سخنرانی خود در پارلمان کشور برخی از گروه های طالبان را دشمن خوانده است. با این حال، اگر فرض را بر این بگذاریم که فشارها بر رئیس جمهور افزایش یابد و رئیس جمهور به برخورد قاطع با گروه طالبان گردد، موفقیت استراتژی جدید رئیس جمهور منوط به چند چیز است.

سال ۲۰۱۵ سال سخت و دشوار برای حکومت و نیروهای امنیتی افغانستان بود. جنگ در سراسر کشور تشدید یافت. گروه طالبان دستاوردهای را نیز به دست آورد. کنترل قندوز را برای چند روز در دست گرفت. چندین ولسوالی ولایت هلمند را نیز کنترل می کند. با یک تفاهم نامه دندغوری رئیس متحاب کرد که نیروهای امنیتی با هزینه زیاد دوباره کنترل آن را به دست گرفت. استراتژی حکومت در سال ۲۰۱۵ حفظ قلمرو بود. با این حال، این استراتژی چندان موفقیت آمیز نبوده است. زیرا، در کنار اینکه حکومت کنترل خود را بر برخی مناطق از دست داد منجر به فرار نیروهای امنیتی کشور از وظیفه نیز شد. سال ۲۰۱۶ اما، سال دشوار تر است. با این حال، حکومت افغانستان نیز استراتژی متفاوت تر



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود.

مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سرمدیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتورست: خالق علی زاده

دربارین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۱۳۷

